

بورس، مضاربه

و جذب سرمایه‌های سرگردان

● مجید میراسکندری

بررسی مسائلی مربوط به شرکتهای مضاربه ای که از فراریکسی از مدیران این شرکتهای شروع و با مقالات روزنامه ها و برنامه های تلویزیونی آب و تابی یافته بود ، کم کم با تبلیغات مربوط به بورس تهران به فراموشی سپرده میشود . بررسی وضع بورس در این مرحله خالی از فایده نیست .

مقدمه

کمتر کسی است که اشکالات مختلف نحوه عملکرد شرکتهای مضاربه ای را نداند یا بررسی نکرده باشد . بدیهی است اگر واقعا این شرکتهای به کار تولید میپردازند و سود واقعی حاصله را پس از پرداخت مالیات حقه دولتی بین سرمایه گذاران تقسیم میکنند ، کار به اینجا نمیرسد یا اگر از این بعد نیز شرکتهایی بتوانند تحت نظارت مقامات مسئول (مثلا " حسابرسان یا بازرسان قانونی) با هر مقام مسئولی در دولت و یا بانک مرکزی و غیره به اینکار در جهت تولید اقدام نمایند نه تنها کار مضری نخواهد بود ، بلکه میتوان از چنین فعالیتهای سالم اقتصادی قدر دانی نیز نمود . ولی بهتر است اسیر تبلیغات نشویم و با آسودگی (در میان طوفان) کانالیزه شدن سرمایه های سرگردان بطرف بورس سهام را کمی بررسی کنیم و ببینیم بورس بازی روی سهام شرکتهای موجود میتواند کمکی به حل مشکل جذب سرمایه های سرگردان بکند یا نه .

شاید سرمایه های سرگردان در اقتصاد معنی مخصوصی داشته باشد ولی در این بحث به سرمایه هائی اطلاق میشود که دارندگان آن بسه علت‌های مختلف مثل نداشتن تخصص در حرفه یا صنعت ، سن و سال ، عادت به سود زیاده‌مخفی کردن سرمایه برای فرار از پرداخت مالیات ، اریکطرف و سودپاژین سرمایه گذاری در پس انداز بانکی و مشکلات تولیدی و بی‌البودن سود کارهای تجاری از طرف دیگر ، یا خود آنرا در کارهای سریعاً سودآور دلالی و تجاری می اندازد یا در اختیار ار خود رزنگترها قرار میدهند تا از بهره های بسیار بالا برخوردار شوند .
صورت مسئله

جهت جلوگیری از تورم زیاد ناشی از نقدینگی بالا (سرمایه های سرگردان) باید فکری کرد .
فرضیات

- (۱) نحوه عمل شرکتهای مضاربه ای بسیار مخرب بوده است (کار تولیدی نمی کنند - به کار واسطه گری از دو کالا اشتغال دارند - در همان کار هم سود واقعی کمتر از مبالغی است که طی چند ماه اول میپردازند - خطر ورشکستگی ، فرار و از بین بردن سرمایه های مردم بسیار بالاست - مالیات پرداخته نمیشود - قیمتها بالا میرود - پولدارها پولدارتر و فقرا فقیرتر میشوند) .
- (۲) دارندگان سرمایه های سرگردان مستقلاً نمیتوانند به کار تولیدی بپردازند ضمناً بهره (سود بانکی) پاژین است (کارخانچیان و شرکتهای معتبر نیز به اندازه کافی مو ادا اولیه در اختیار ندارند ، بانکها نمیتوانند پس اندازهای مردم را بکار اندازند لذا همین سودی که میپردازند احتمالاً از بودجه عمومی است ، سود بانکی نیز از مالیات معاف است) .
- (۳) تبلیغات به ضرر شرکتهای مضاربه ای و بی‌نفع خریدن سهام در بورس است (اینکار بدون تمهیدات لازم ممکنست خودبه ورشکستگی

زودرس شرکتهای مضاربه ای و هجوم مردم به بورس منجر شود .

بورس سهام

به این ترتیب دیده میشود که سرمایه های سرگردان راهمی دارند بطرف بورس سهام کانالیزه میکنند . و درحقیقت راهمی برای دارندگان این سرمایه ها باقی نمانده است . البته بورس سهام ظاهرا " خیلی بهتر از شرکتهای مضاربه ای بنظر میرسد چون هم سهام شرکتهای تقریبا " معتبر را میپنیرد ، هم از طریق اعمال کنترلهای لازم (لزوم داشتن حسابرس و بازرس) ، اطمینان بیشتر به مردم میدهد . ولی واقعیت فقط این نیست ، به موارد زیر نظری بیفکنید :

- (۱) اصولا " بورس بازی مانند سفته بازی خود عاملی تورم راست .
- (۲) ازاینکه خانم " الف " به بورس مراجعه کند و سهام آقای " ب " را بخرد چه نفعی به کارخانه مربوطه میرسد ؟ اگر این سهام بصورت افزایش سرمایه باشد حرفی نیست چون سرمایه مستقیما " به صندوق کارخانه وارد میشود و صرف امور تولیدی میگردد ولی خرید و فروش سهام محدود بین عده زیادی سرمایه دار سرگردان فقط قیمت سهام را مصنوعا " بالا خواهد برد .
- (۳) تازه اگر سهام عرضه شده به بورس برای افزایش سرمایه باشد باز هم در شرایطی که کارخانه ها از کمبود مواد اولیه و عدم امکان واردات ماشین آلات مدرن رنج میبرند ، معلوم نیست که با افزایش سرمایه هم بتوانند کاری از پیش ببرند .
- (۴) ممکنست بورس سهام رونق بگیرد و قیمت های سهام بالا برود ولی سرمایه های سرگردان چه میشود ؟ سرمایه های سرگردان فقط دست بدست میشوند . آقای " ب " که سهام خود را فروخته همان قدر قدرت خرید بدست میآورد که خانم " الف " از دست داده بود . ازاینکه موجودی نقدی جابجا بشود و یا از این بانک به آن بانک منتقل شود ، مملکت سودی نخواهد برد و نمیتوان ادعا کرد که سرمایه های سرگردان جذب شده اند !

شاید لازم به توضیح نباشد که نگارنده بهیچوجه مخالفتی با بورس ندارد و ضمناً نه خود شرکت مضاربه ای دارد و نه برای شرکتهای مضاربه ای کار میکند بلکه برعکس حسابدار هست که با رونق کار بورس سهام احتمالاً فرصتی برای انجام کار حرفه ای خود نیز بدست میآورد که قبلاً داشت به هوته فراموشی سپرده میشد. ولی مطرح کردن این بحث از سردرد است. نکند پس فردا روزنامه ها و ادبیوتلوویزیون مجبور شوند کار بورس را هم به زیر علامت سؤال بزرگتری ببرند. آنوقت تکلیف خیل سرمایه داران سرگردان را چه خواهیم کرد؟ آنوقت راه فرار بزرگتر از بورس سهام هم پیدا نخواهد شد. اطمینان از دست رفته را نمیتوان دو مرتبه و سه مرتبه جلب نمود.

پیشنهاد

- (۱) سرما به های سرگردان را به بانکها بکشید (با افزایش نرخ سود)
- (۲) بانکها را به ایجاد کارخانه (و بعد فروش سهام آن به مردم) وادار کنید.
- (۳) مشکلات تولیدی کارخانجات را حل کنید.
- (۴) مشکلات بانکها را اعطای اعتبارات بلند مدت به کارخانجات تولیدی رافع نمائید.
- (۵) حسابرسی کارخانجات را فعال کنید تا هم بانک اراعاتی اعتبار به کارخانجات سودبپرداز هم سرمایه سرگردان جلب کارتولیسدی شود.
- (۶) ارتبلیغ بیهوده برای بورس سهام بهرهیزید. اگر مردم خود تشویق بخیرید سهام بشوند مطلب دیگری است ولی اگر کسی را برای انجام کاری هل دادید و زمین خورد آنوقت باید پی جواب حسابی بگردید.
- (۷) حسابی برای مالیات بردرآمد باز کنید. بالاخره سودهای حاصله از سرمایه گذاری بایستی بنحوی مشمول مالیات باشد. حقوق بگیران تا ابد نمیتوانند بودجه را تامین کنند ■